شهرآرا

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان

روزنامه شهر امید و زندگی

SHAHRARANEWS.IR

۲۶ ۰۹ ۹۹

۴ شنبه

۳۲ صفحه: ۸ صفحه + ۴ صفحه + ۴ صفحه ورزشی

+۴ صفحه کوله پشتی + ۱۶ صفحه شهرآرا محله

شماره ۳۲۷۶ | ۱۰۰۰ تومان

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

Photoshahr.ir

حدیث روز

بخشش و سخاوت زبان بدگویان را کوتاه می کند.

امام علی(ع)

رطوبت هوا ۶۷٪

۱° ↓ ۸° ↑

صبح ۱°

ظهر ۷°

عصر ۴°

شب ۳°

اذان ظهر ۱۱:۲۸

غروب آفتاب ۱۶:۱۷

اذان مغرب ۱۶:۳۸

نیمه شب شرعی ۲۲:۴۲

اذان صبح فردا ۵:۰۶

طلوع آفتاب فردا ۶:۳۷

چرا توقف کنم!

پیاز یا وجودی بی‌تناقض؟

حبیبه جعفریان

نویسنده و روزنامه‌نگار

«سینما را ترجیح می‌دهم. گربه‌ها را ترجیح می‌دهم. دیکنز را بر داستایوفسکی ترجیح می‌دهم. خودم را که آدم‌ها را دوست دارد، بر خودم که بشریت را دوست دارد، ترجیح می‌دهم. خنده‌دار بودن شعر گفتن را به خنده‌دار بودن شعر نگفتن ترجیح می‌دهم. چشم‌های روشن را ترجیح می‌دهم، زیرا چشم‌های من تیره است». ویسواوا شیمبورسکا (از شعر امکانات، کتاب آدم‌ها روی پل)

نمی‌دانم آن روز چه شد که به او فکر کردم؟ هیچ دلیلی ندارد آدم صبح روز تولدش در حالی که دارد با برگ‌های گلدان مریضش ور می‌رود و فکر می‌کند امروز برود سر کار یا نه، به یک پیرزن لهستانی فکر کند؛ پیرزنی که مثل جادوگرها از کلمات، مخلوقاتی دیگر می‌سازد و ارواح درون اشیا را به اشاره قلم به دنیای آدم‌های پشت میزهای اداره‌ها و چراغ‌قرمزهای کسالت‌بار شهرهای گیج بزرگ احضار می‌کند. همین‌طور که گلدانم را وارسی می‌کنم، مطمئنم که ذهنم لحظاتی بعد، پیرزن لهستانی را رها می‌کند و به شاخه بعدی جست می‌زند، ولی ذهنم از جایش تکان نمی‌خورد و همین‌طور روی آن صورت چروکیده با موهای نقره‌ای نرم، معطل مانده است. بعضی قیافه‌ها طوری هستند که فکر می‌کنی همیشه پیر بوده‌اند. با خودم فکر می‌کنم شاید مثلا در سی‌سالگی زنی بوده‌اند با نوعی از این زیبایی‌های اروپای شرقی که به صاحبشان به‌جز زیبایی کیفیتی دست‌نیافتنی، بیمار و زجرکشیده هم می‌بخشند با پوست رنگ‌پریده و چشم‌های روشن، کمی روشن. به نظرم آمد چشم‌هایش می‌باید کمی روشن بوده باشند، فقط کمی. فکر کردم به‌محض اینکه دستم به گوگل رسید، عکس‌های جوانی‌اش را پیدا کنم و ببینم آیا هیچ‌وقت جوان بوده است؟ و چشم‌هایش آیا چقدر روشن بوده‌اند؟ و بعد باز فکر کردم شاید یک روز همین‌طوری، بی‌دلیل، در جایی یک لهستانی ببینم. بعد در لحظه از اینکه می‌توانم به او بگویم من نه‌تنها می‌دانم لهستان کجاست، حتی می‌دانم «شیمبورسکا» کیست، مثل یک بچه هیجان‌زده شوم.

در جایی خوانده بودم وقتی او ترجمه چینی شعرهایش را دیده، گفته است: «چیزی از آن نمی‌فهمم، اما از تماشای این خطوط زیبای شرقی، لذت می‌برم». آیا زیبا بوده است؟ چرا آدم باید روز تولدش به یک پیرزن لهستانی که می‌تواند به یک اشاره قلم، ارواح اشیا را احضار کند، فکر کند؟ اگر روزی خودش را ببینم، می‌توانم با گفتن این واقعیت، شانسم را برای تحت‌تأثیر قرار دادنش امتحان کنم. یک شاعر را چطور می‌شود تحت‌تأثیر قرار داد؟ یک جادوگر را چطور؟ یک بار که درباره گوشه‌گیری و شهرت از او پرسیده بودند، گفته بود: «خیلی هم جدی نگیرید. این را یادآوری کنم که بعضی‌ها اصولا نمی‌دانند نوبل چی هست. خیال می‌کنند یک نوع مسابقه ملکه زیبایی است». آیا زیبا بوده است؟ با چشم‌هایی که کمی روشن هستند؟ یادم باشد توی گوگل، عکس‌هایش را ببینم.

پشت برگ‌های گلدانم پر شده است از نقطه‌های سفید گچی ولی از بیخ یکی از ساقه‌ها که هنوز ترد و جوان است، یک برگ سبز ترد و جوان دیگر دارد می‌آید بیرون. یاد پیاز می‌افتم. اولین‌بار که شعرهایش را خواندم، «پیاز» رفت توی مخم. به نظرم آمد کسی که پیاز را این‌طوری می‌فهمد که «وجودی بی‌تناقض / کسی که تا مغز استخوان، خودش است»، شاعر بودنش حتمی است. ممکن است پیرزن باشد یا ملکه زیبایی یا یک لهستانی بی‌حوصله که آمریکا نمی‌رود؛ چون نمی‌تواند هفت ساعت بی‌وقفه سیگار نکشد، ولی به‌هرحال و قبل از همه این‌ها، شاعر است.

چرا باید روز تولدم به یک پیرزن لهستانی شاعر فکر کنم؟ سه روز طول کشید تا بفهمم چرا؛ چون پیرزن لهستانی، روز تولد من مرده بود. در خواب و با آرامش یک بچه.

تاریخ‌نگار

۲۶ آذر ۱۲۹۶

ابطال معاهدات روسیه تزاری علیه ایران

رضا سلیمان نوری

پیروزی انقلاب بلشویکی در روسیه، پیامدهای درخور ملاحظه‌ای برای وضعیت ایران عصر احمدشاهی داشت که مهم‌ترین آن‌ها، خروج قوای روسیه تزاری حداقل به‌صورت ظاهری از کشور بود. دلیل اینکه از کلمه ظاهری استفاده می‌کنیم، نیز چیزی جز این نیست که برخی از این نیروها به‌دلیل مخالفت با حکومت شوراها، به نیروهای انگلستان پیوستند و در ایران ماندند. اما از این امر مهم‌تر، اقدامی بود که در ۲۶ آذر ۱۲۹۶ خورشیدی سران شوروی انجام دادند. اقدامی که اگر دولتی قوی در ایران آن زمان وجود داشت، به‌طور قطع وضعیت مرزهای کشور در سال‌های پایانی عصر قاجار به وضعیت سال‌های آغازین این عصر بازمی‌گشت. در این روز بود که دولت جدیدالتاسیس بلشویکی روسیه طی اعلامیه‌ای، یادآوری کرد هر قرار و معاهده‌ای که حیات ملت و آزادی و استقلال ایران را محدود کند و در گذشته دولت روسیه تزاری، آن را به‌زور به ایران تحمیل کرده است، از درجه اعتبار ساقط است. اعلامیه‌ای که معنای آن، ابطال همه معاهدات قبلی دو کشور از جمله عهدنامه‌های ترکمانچای، گلستان و آخال بود.

دولت بلشویکی روسیه در این یادداشت، با تاکید بر اینکه همه معاهداتی که دولت قبلی روسیه به اجبار به ایران تحمیل کرده است از درجه اعتبار ساقط است، براساس سخنرانی لنین، رهبر انقلاب روسیه که درپی پیروزی انقلاب ایراد شده بود، مبنای اعتبار معاهدات ایران و روسیه را رضایت دو طرف تعیین کرد. پیش از این، شخص لنین در اعلامیه‌ای که ۱۴ دسامبر ۱۹۱۷ برابر با ۲۳ آذر ۱۲۹۶ امضا کرده بود، عهدنامه اوت سال ۱۹۰۷ انگلستان و روسیه مبنی بر تقسیم ایران به دو منطقه تحت نفوذ و یک منطقه بی‌طرف فیمابین و ضمائم محرمانه آن را بدون اعتبار، اعلام و تاکید کرده بود هرگونه قراردادی که با استقلال ملی، تمامیت ارضی و آزادی عمل ملت ایران مغایرت داشته باشد و آن را محدود کند، از این لحظه بی‌اعتبار است و همه را پاره کرده است و دیگر سندی خارجی که بتوان به آن‌ها استناد کرد، موجود نیست.

متن بخش‌هایی از پیام لنین که در همان زمان در شهر تهران منتشر شد، چنین بود: «رفقا! برادران! وقایعی مهم در خاک روسیه در جریان است. خاتمه مجازات خونینی که برای تقسیم کردن ممالک دیگران شروع شده بود، نزدیک می‌شود. سلطنت وحشیانه‌ای که زندگانی ملل عالم را بنده خود قرار داده بود، مقهور گردید. عمارت کهنه و پوسیده استبداد و بندگی در زیر ضربات انقلاب روس، خراب می‌شود. ما اعلام می‌کنیم که عهدنامه سری درباره تقسیم کشور ایران، محو و پاره شد و همین که عملیات جنگی خاتمه یابد، قشون روس از ایران خارج می‌شوند و حق تعیین مقدرات ایران به دست ایرانیان تأمین خواهد شد....»

پیرو این اعلامیه، دولت روسیه در ۱۷ دسامبر ۱۹۱۷ برابر با ۲۶ آذر ۱۲۹۶ به‌منظور جلب دوستی ایران در یادداشتی، همه امتیازهای مخالف حاکمیت و استقلال ایران را که در دوره تزار به روسیه واگذار شده بود، لغو کرد و به ایرانیان وعده داد که این دولت در اخراج قوای انگلیس و عثمانی از خاک ایران، به آن‌ها کمک و از ادعاهای این کشور درباره مطالبه خسارت زمان جنگ، پشتیبانی خواهد کرد.

این اقدام، تأثیر مثبتی بر روی مردم ایران گذاشت، به‌طوری که بسیاری از روشن‌فکران، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و شاعران ایران مطالب متنوعی را در وصف لنین و شوروی نوشتند. از آن جمله ملک‌الشعرای بهار در توصیف وضعیت ایران در دوران روسیه تزاری و نقش لنین در تغییر آن وضعیت، نوشت: «دو دشمن از دو سو ریسمانی به گلوی کسی انداختند که او را خفه کنند. هرکدام یک سر ریسمان را گرفته، می‌کشیدند و آن بدبخت در میان تقلا می‌کرد. آن‌گاه یکی از آن دو خصم، یک سر ریسمان را رها کرد و گفت: ای بیچاره! من با تو برادرم و مرد بدبخت (ایران) نجات یافت. آن مرد که ریسمان گلوی ما را رها کرده، لنین است.»

خاطی عذرخواهی کرد، سرباز بخشید، تمام؟

درباره ویدئوی تلخ آزار یک سرباز که خاطر مردم را آزرده کرد

محبوبه عظیم‌زاده

m.azimzadeh@shahraranews.ir

روایت روز

انتشار فیلمش در فضای مجازی، حسابی دل مردم را رنجاند و ذهنشان را آشفته کرد. اینکه چرا فردی در لباس سربازی، در لباس خدمت، باید چنین برخورد غیرانسانی و زشتی را تحمل کند؟ آن‌هم فقط به‌دلیل رفتاری که از سر انجام وظیفه و عمل به قانون بوده است و همان‌طور که رئیس اداره سرمایه انسانی ستادکل نیروهای مسلح هم بیان کرده است، این سرباز کاری غیرقانونی انجام نداده بود. داستانش حالا دیگر شاید به گوش شما هم رسیده است؛ سربازی در محل خدمت خود در بابل، وقتی در ورودی درگاه، چهره مافوق خود را به‌دلیل استفاده از ماسک نمی‌شناسد، از او کارت شناسایی درخواست می‌کند اما این درخواست صحیح به این مسئول برمی‌خورد و به همین دلیل، دستور برخورد با سرباز وظیفه را می‌دهد. نتیجه این دستور هم می‌شود کتک‌کاری و سیلی زدن و اتفاق تلخی که احتمالا خودتان در آن ویدئوی جنجال‌آفرین دیده‌اید.

بررسی کردیم و صحت داشت

موج واکنش‌هایی که به راه افتاد، حکم یک مطالبه‌گری جمعی و بزرگ را داشت که رفته‌رفته بزرگ‌تر شد و پای نهادهای مربوط را برای پاسخگویی به این ماجرا به میدان باز کرد. در ابتدای کار، رئیس کل دادگستری استان مازندران دستور رسیدگی و بررسی موضوع را صادر کرد اما حاشیه‌های منفی و زننده آن، خیلی زود کار را به بررسی‌های جدی‌تر کشاند و رئیس اداره سرمایه انسانی ستادکل نیروهای مسلح به میدان آمد و این خبر را در صداوسیما تأیید کرد و از این گفت که ستادکل نیروهای مسلح براساس وظیفه ذاتی خود که همان صیانت و پاسداری از حقوق سربازان است، این موضوع را با جدیت تمام پیگیری می‌کند. امیر دریادار دوم، غلامرضا رحیمی‌پور، از این گفت که بررسی‌ها ادامه دارد و با مشخص شدن ابعاد جدید این موضوع، برای حفظ و صیانت از حقوق این سرباز شبانه دستوراتی هم صادر شده است. او همچنین در مصاحبه تصویری خود با صداوسیما گفت: «به‌محض اینکه این خبر به اطلاع ستادکل رسید، اینکه سربازی را یکی از کارکنان دادگاه، مورد ضرب‌وشتم قرار داده است، نیروی انتظامی، تیمی اعزام کرد و موضوع در محل بررسی شد و متأسفانه این موضوع، صحت داشت.»

پیگیری شود حتما

حالا به گفته رئیس اداره سرمایه انسانی ستادکل نیروهای مسلح، با حضور رئیس دادگستری استان و فرد خاطی و سرباز و خانواده‌اش، جلسه‌ای تشکیل شد. فرد خاطی عذرخواهی کرد و سرباز از جنبه شخصی رضایت داد، با این حال موج واکنش‌های مردمی که از ابتدای پخش فیلم در فضای مجازی به‌راه افتاده بود، بعد از اعلام رضایت سرباز همچنان ادامه دارد. خیلی از کاربران از این می‌گویند که قلبشان جریحه‌دار شده است و اینکه: «ما امانت‌هامون می‌رن سربازی که مرد میدون بشن، نه اینکه عده‌ای [...] دست روشون بلند کنن.» کاربران دیگری هم درباره ماجرای رضایت دادن سرباز، صحبت کرده و چنین گفته بودند که: «مگه چاره دیگه‌ای هم داشت به‌جز گذشتن از شکایتش؟» کاربر دیگری نوشته بود: «سرباز هم گذشت کنه، بازهم باید به تخلف اون بازپرس رسیدگی بشه.» نکته‌ای که کاربران زیاد دیگری هم به آن اشاره کرده بودند و محمد دلاوری، مجری برنامه تهران ۲۰، هم که خبرهای جنجالی را در برنامه خود پیگیری می‌کند، به آن واکنش نشان داد و گفت: «ما هم پیگیری می‌کنیم. ما هم شک داریم که این مرد قاضی باشد. مرد قانون نباید دست به چنین رفتار خلاف شأنی بزند.»

مردم، منتظر اعلام نتیجه از سوی قوه قضائیه باشند

حالا طبق گفته‌های امیر دریادار دوم غلامرضا رحیمی‌پور، ازآنجایی که این ماجرا بعد دیگری هم دارد، موضوع به مراتب بالاتر ارجاع داده شده است. او گفت: «چون این موضوع، موضوع سازمانی هم هست و ستادکل خودش را مکلف می‌داند که از جنبه سازمانی، حقوق کارکنان وظیفه را پیگیری کند و از حقوق همه سربازان صیانت کند، این موضوع به رئیس محترم قوه قضائیه منعکس شده است و منتظر اعلام نتیجه از قوه قضائیه هستیم.» او همچنین از این گفت که به‌محض دریافت نتیجه، جزئیات به اطلاع مردم می‌رسد.

مونولیت بود یا تخته بنایی؟

مورد مرموز پیدا شدن مونولیت‌ها در ایران با تکذیب همراه شد

ارژنگ حاتمی

a.hatami@shahraranews.ir

سوژه روز

چندی پیش پیدا شدن سازه‌ای عجیب در ایالت یوتای آمریکا خبرساز شد. سازه‌ای پرابهام که نام آن را «مونولیت» گذاشتند. پس از آن، این شیء مرموز در نقاط دیگر دنیا مانند هلند، انگلستان، آلمان، کانادا، استرالیا و بلژیک هم دیده شد. مونولیت‌ها ستون‌های فلزی و براق سه‌وجهی با ارتفاع حدودا سه‌متری هستند. برخی، این سازه‌ها را به موجودات فضایی مربوط می‌دانند و برخی نیز با نام مستعار «معروف‌ترین هنرمند» اعلام کردند که دو مونولیت اول، ساخت آن‌ها بوده است و مدل‌های مشابه آن را به قیمت ۴۵ هزار دلار فروخته‌اند، اما گفته‌اند باقی مونولیت‌ها کار آن‌ها نیست.

مونولیت‌ها در ایران؟

دوشنبه، فضای مجازی پای مونولیت‌ها را به ایران هم باز کرد. عکس‌هایی منتشر شد و برخی رسانه‌ها مدعی شدند که نهمین مونولیت در حوالی تهران در «نیکنام‌ده جاجرود» دیده شده است. در متن خبر آمده بود: این سازه که بر لبه دره بلندی نصب شده است، از یک طرف ناظر به کوه‌هاست و از طرف دیگر به دره مشرف است. کم کم رسانه‌های معتبرتری هم آن را جدی گرفتند و عجیب آنکه در متن خبرهایشان، مشخصات بسیار دقیقی نیز درباره این سازه بیان می‌کردند. از جمله روزنامه «شهروند» که عکس یک صفحه اول سه‌شنبه‌اش را به این خبر اختصاص داد. این روزنامه در شرح این خبر نوشت: «ارتفاع آن نیز سه متر است و مانند سایر مونولیت‌های فلزی دیده شده در نقاط دیگر جهان، از جنس استیل براق ساخته شده است. روی این مونولیت فقط دو حرف N و S که نشان‌دهنده شمال و جنوبند، حکاکی شده است.»، روزنامه «هفت‌صبح» نیز در صفحه اول خود، در روز سه‌شنبه با انتشار عکسی نوشت: «مونولیت مرموز، این‌بار در جاجرود».

تکذیب‌ها شروع می‌شود

جالب آنکه در همان روز دوشنبه و قبل از ساعت ۱۷، خبرگزاری صداوسیما نوشت: «دهیار نیکنام‌ده وجود مونولیت در این روستا را تکذیب کرد.» در شرح خبر می‌خوانیم: «جست‌وجوی دوساعته گروه خبری صداوسیما در منطقه نیز بی‌نتیجه مانده است و شواهدی بر مشاهده این شیء در منطقه یافت نشد.» این خبرگزاری همچنین گلایه داشت که دهیار و مسئولان محلی هیچ همکاری با گروه صداوسیما برای شفاف‌سازی این خبر انجام نداده‌اند. حوالی ساعت ۱۹ دوشنبه‌نیز، خبرگزاری فارس با تردید با این خبر روبه‌رو شده بود، با این حال باز هم عجیب است که شاهد چاپ تیترها و عکس‌هایی از این خبر در برخی روزنامه‌های سه‌شنبه بودیم. عباس یافتچیان، دهیار نیکنام‌ده، به این خبرگزاری گفت: «پس از اینکه خبر پیدا شدن این شیء فلزی در رسانه‌ها منتشر شد، ما منطقه مشابه عکس را شبیه‌سازی و پیدا کردیم و با یک اکیپ بیست‌نفره کاملا آنجا را جست‌وجو کردیم اما هیچ چیزی ندیدیم و درنتیجه جست‌وجوی ما هیچ اثری از آن جسم فلزی پیدا نشد.» او حتی عکس منتشرشده در رسانه‌ها را هم مخدوش دانست: «انعکاس دکل مخابراتی که در تصویر افتاده است، با واقعیت آن محل تضاد دارد. به‌علاوه عکس‌های آن محل و سازه‌های اطراف آن، بسیار با واقعیت آن مکان متفاوت است و به نظر عکس در زمان دیگری گرفته و دست‌کاری شده است.» در ادامه، خبرنگار این رسانه با پیگیری‌هایی که از کارشناسان این حوزه انجام داده بود، دریافت که تصویر منتشرشده در رسانه‌ها با برنامه‌های ویرایش عکس دست‌کاری شده است و در عکس، تضادهای متعددی مشهود است و درنهایت به این نتیجه رسید که: «به‌نظر می‌رسد بیش از هر چیز ساخت و جای‌گذاری یا جعل تصاویر این ستون‌های فلزی، تلاشی برای جلب توجه و بازی‌های رسانه‌ای در ایران است.»

پایانی باز برای مونولیت ایرانی

پایگاه خبری رکنا نیز روز سه‌شنبه متنی را به‌همراه ویدئویی منتشر کرد که نشان می‌دهد خبرنگارهای این رسانه به محلی که ادعا می‌شود مونولیت کشف شده است، رفته‌اند. آن‌ها از مسیری سخت از بالای یک تپه عبور کرده‌اند و درنهایت به جای مشاهده مونولیت، تخته بنایی‌ای را دیدند که چند جوان با آن در حال عکس گرفتن هستند. رکنا می‌نویسد: «اهالی منطقه روستای اطراف جاجرود وقتی به محل پیدا شدن مونولیت رفتند، با یک حفره کوچک روبه‌رو شدند و با گذاشتن یک تخته‌بنایی در محل مونولیت، عکس یادگاری گرفتند.»

در پایان مانند فیلم‌های اصغر فرهادی، شاهد پایانی باز برای مونولیت‌های ایرانی هستیم و هنوز درست، مشخص نیست که این مونولیت‌ها در جاجرود وجود داشته‌اند یا خیر؟ آیا افرادی برای سرگرمی با طراحی این سازه و انتقال آن به جاجرود، عکس‌هایی گرفته و سپس آن را به جای دیگری منتقل کرده‌اند؟ آیا قبل از رسیدن مسئولان و اهالی روستا، مونولیت را افراد دیگری برداشته یا دزدیده‌اند؟ آیا باید منتظر باشیم که مونولیت در گوشه دیگری از ایران دوباره مشاهده شود؟

کارتون شهر

محمدرضا میرشاه‌ولد

نایب رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران: امروز قیمت طلا از یک بسته آجیل شب یلدایی بیشتر است. پس خانواده‌ها بهتر است به جای آجیل، طلا بخرند.

تلنگر

به کجا چنین شتابان؟

سارا رنگیان

s.rangian@shahraranews.ir

رسانه‌ای تسویه‌حساب سیاسی بکند، حکمش چیست؟ گاهی رسانه‌هایی پیدا می‌شوند که بیشتر از آنکه رسالت اصلی‌شان را انجام دهند، به جاده خاکی می‌زنند، انصاف را فدای سیاست می‌کنند و خیلی راحت به اخلاق حرفه‌ای پشت پا می‌زنند. درواقع انتخاب تیترهای توهین‌آمیز، از کج‌سلیقگی و استدلال ضعیف، نشئت می‌گیرد. به بیان دیگر وقتی نمی‌توان در تحلیل یا منطق به مصاف رقیب رفت، تیترهای عجیب‌وغریب و گاه توهین‌آمیز انتخاب می‌شوند. مثال واضح آن هم می‌شود یکی از روزنامه‌های منتقد دولت که روز گذشته با انتشار عکسی از حسن روحانی، از تیتر «درست‌بشونیست!» استفاده کرده است. البته استفاده از چنین تیترهایی در این روزنامه، پیشینه‌ای طولانی دارد و احتمالا مدیران آن با انتخاب آن‌ها مسئله‌ای ندارند و شاید ابایی هم نداشته باشند که به این صفت شناخته شوند، اما بهتر است وسط این دعواهای سیاسی، یک تلنگر هم به خودمان بزنیم که به کجا چنین شتابان؟ فکرش را بکنید، اگر رسانه‌ای در دولت قبلی تیتر می‌زد: «درست‌بشونیست»، حکمش چه‌بود؟ شما بگویید.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

پرسش

باتوجه به اینکه پیش از این گفته بودید باید واژه‌های فارسی را با نشانه جمع فارسی جمع ببندیم، اگر واژه یا ترکیبی که با «ین» جمع بسته شده است اسم خاص باشد، باز هم با نشانه فارسی جمع ببندیم؟

پاسخ

اگر اسم خاص باشد به دلیل ماهیت حقوقی آن ناگزیریم همان شکل ثبت شده را به کار بریم، مانند: انجمن مهندسین، جامعه مدرسین و ....

ای کاش در هنگام ثبت نام شرکت‌ها و احزاب و انجمن‌ها دقت شود.

#زین_قند_پارسی

مجله عصر شهرآرا هجده شصت

برای خواندن مجله عصر شهرآرا کد را اسکن کنید